



تفاوت در «ولایت» یکی از مغایرت‌های عرفان اهل بیتی با دیگران است

رابطه ولایت در عرفان اهل بیتی با ولایت در عرفان اسلامی (عرفان مصطلح) رابطه این همانی و عینیت نیست بلکه عام و خاص من وجه است.

رابطه ولایت در عرفان اهل بیتی با ولایت در عرفان اسلامی (عرفان مصطلح) رابطه این همانی و عینیت نیست بلکه عام و خاص من وجه است.

عرفان اهل بیتی عنوان جدیدترین اثر حجت الاسلام محمدجواد رودگر عضو هیات علمی گروه عرفان پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه است که در آینده‌ای نزدیک چاپ می‌شود. در ادامه این مطلب یادداشتی پیرامون اثر یاد شده می‌خوانید؛

عرفان شناخت شهودی حق تبارک و تعالی از رهگذر تزکیه باطن، تزکیه عقل و تضحیه نفس براساس سیرو سلوک و طی مقامات معنوی و منازل عرفانی بر پایه شریعت حقه محمدیه (ص) است و عرفان در نهایت خداخوشدن، خداگونگی و رنگ و رائحه الهی یافتن است و عارف کسی است که درد خدا داشته، همه چیز را جلوه حق دیده و تنها به دیدار جمال دل آرای دلبر و دلداری چشم دوخته است.

اصلت در عرفان، از آن عرفان عملی است نه عرفان نظری یا علم عرفان عملی، اساسا آنگاه که از عرفان و عارف سخن به میان می‌آید، مقصود حقایق وجودی و ویژگی‌های الهی و توحیدی متجلی در کلام و کردار، قول و فعل و همه حرکات و سکنات عارف است که آنرا با مجاهدت مستمر در راه خدا و اخلاص و عمل صالح تحصیل کرد. سالکی که در بستر سلوک، مرحله به مرحله و منزل به منزل سیر کرده و تجربیات سالکانه را در نهایت به تجربه عرفانی و عارفانه تبدیل کرده و خدائی شده است.

در کتاب یادشده، بعد از مباحث مقدماتی مفهوم شناختی و تاریخی مختصر، از اهمیت و نقش معرفت به خدا در سیر و سلوک و سپس مختصات و شرائط سیر و سلوک اهل بیتی بحث شده است تا روشن شود که مقدمات و الزامات سالک و عارف شدن چیست و چه باید کردنها و چه نباید کردن‌های سلوکی چیستند؟ در واقع مباحثی در زمینه باید و نبایدهای سلوک توحیدی و ولایتی شریعت‌گرایانه که در عین حال عقل‌گرا و جامعه محور هستند عرضه شد تا زمینه برای برخی دستورالعمل‌های سلوکی و سازنده فراهم شود و روش عبدالله شدن و عندالله گشتن ارائه گردد.

در کتاب ذکر شده بدلیل اینکه اولاً منبع و ماهیت بحث اهل بیتی و ثانیاً موضوع مقدمات، مختصات، شرائط و دستورالعمل‌های سلوکی بود، از کاربرد اصطلاحات تخصصی عرفان و مباحث عرفانی مصطلح اجتناب شد و منبع و معیار آیات، احادیث و ادعیه قرار گرفت و این نه بدان معنا بود که عرفان اسلامی موجود در تضاد یا تعارض با عرفان اهل بیتی است، بلکه برای این بود که عرفان اهل بیتی از کمال و جامعیت و درعین حال طراوت و حلاوت خاص همراه با جاذبیت ویژه برخوردار بوده و عمومیت بیشتری دارد.

امید است متن حاضر اندکی از بسیار نیازهای معنوی تشنگان زلال معرفت و معنویت و شیفتگان عرفان و سلوک صائب و صادق را برآورده سازد. ناگفته نماند که در کتاب حاضر به برخی تفاوت عرفان اهل بیتی با عرفان موجود نیز اشاره شد که عبارتند از:

۱. در عرفان اهل بیتی، کتاب و سنت منبع تولید و کشف عرفان‌اند و این عرفان تولید از منبع است نه تطبیق بر منبع ولی در عرفان مصطلح منبع تولید شهود عارف است و سپس عارف برای تایید از کتاب و سنت نیز بهره می‌گیرد. بنابراین یکی از فرق‌های آشکار این دو عرفان در منبع برای کشف و تولید است.

۲. لازمه تفاوت در منبع، تفاوت در میزان حجیت صدق و ارزش معرفتی عرفان ناب اهل بیتی با عرفان مصطلح است. چه اینکه معرفت ناب و خالص صرف -که هیچ شائبه شک و شبهه نظری یا شرک و شطح عملی نداشته باشد- تنها نزد پیامبر و امام است.

یکی دیگر از فرق‌های این دو عرفان تفاوت در روش اجتهاد است عرفان اهل بیتی عرفانی است که از منبع وحیانی یعنی کتاب و سنت با روش نقلی و تبیین عقلی اکتشاف شده و تولید می‌گردد که در واقع عرفان اصیل و مستقل است، نه عرفانی اسلامیزه شده و نه عرفان مسلمین به معنای برخاسته و برساخته ذهن و زبان مسلمانان با عطف توجه به کتاب و سنت، یا توأم با شواهد و موبدات قرآنی- حدیثی و روش عرفان مصطح، شهودی است؛ یعنی عارف با شهود متن واقع، معارفی را در اختیار اهل معرفت قرار می‌دهد.

ناگفته نماند که بیان این نکته به معنای نفی و قدح عرفان موجود اسلامی و کارآمد در فرهنگ و تمدن مسلمین که معارف عمیقی را در حوزه توحید و ولایت در اختیار جامعه اسلامی و بشری نهاد نیست و نخواهد بود.

تفاوت در ولایت؛ یکی از مغایرت‌های عرفان اهل بیتی با عرفان غیراهل بیتی است؛ اگرچه در هردو عرفان سخن از ولایت به میان آمده است؛ لکن رابطه ولایت در عرفان اهل بیتی با ولایت در عرفان اسلامی (عرفان مصطلح) رابطه این همانی و عینیت نیست بلکه عام و خاص من وجه است؛ سخن گفتن از ولایت؛ صورت اشتراک هر دو است، اما با این تفاوت که ولایت و انسان کامل در عرفان شیعی قابل تطبیق با امام و ولی معصوم هست، یعنی اولاً استمرار نبوت و رسالت و جانشین نبوت ائمه اطهار (ع) هستند. ثانیاً مصداق انسان کامل نیز ائمه اطهار هستند و خواهند بود، بنابراین ولایت، گفتمان اصلی حاکم بر عرفان اهل بیتی خواهد بود و به همین دلیل می‌توان چنین عرفانی را عرفان شیعه یا شیعی نیز موسوم کرد. اما ولایت و انسان کامل در عرفان عام اسلامی از چنین قابلیت در تطبیق برخوردار نیست؛ افزون بر این ولایت در ولایت عرفان موجود عمدتاً بمعنای ولایت باطنی است و ولایت در عرفان شیعی بمعنای ولایت عقیدتی- معرفتی، باطنی &ndash؛ معنوی و احکامی- شریعتی (شریعت بمعنای خاص) است یعنی معنایی اعم از ولایت باطنی داشته و ولایت ظاهری را هم شامل می‌شود.